



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پہنچی در باب

نور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثی در باب نور

نویسنده:

علی کورانی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بحثی در باب نور
۶	مشخصات کتاب
۶	بحثی در باب نور
۲۱	منابع:
۲۳	درباره مرکز

بحثی در باب نور

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۵-۱۸۴۰۷

سرشناسه: کورانی، علی

عنوان و نام پدیدآور: بحثی در باب نور/ کورانی، علی؛ شفیعی سروستانی، اسماعیل

منشأ مقاله: ، موعود، ش.پ.ش. ۱، (آبان ۱۳۷۵): ص ۳۹ _ ۴۴.

توصیفگر: اسلام

توصیفگر: غیبت امام زمان

توصیفگر: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم

بحثی در باب نور

ص: ۱

بحثی در باب نور

شیخ علی کورانی، ترجمه: ابراهیم شفیعی سروستانی

همچنانکه راهمان را به طرف بقیع ادامه می دادیم دوست همراه من باز سؤالش را تکرار کرد که:

- چه شده که این همه ساکت و تو فکری، مثل اینکه در عالم دیگری سیر می کنی... آیا اتفاقی برایت افتاده است؟

- نه، اتفاقی برایم نیفتاده است.

- آیا فراموش کرده ای که ما در مدینه الرسول هستیم. جایی که محل اقامت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء است؟

- فکر مرا این حدیث امام صادق ((علیه السلام))، مشغول کرده که می فرماید:

صاحب این امر را چاره جز غیبت نیست و در این غیبت ناچار به کناره جویی است و بهترین منزل برای او جمدینه ج طیبه

است و او با وجود آن سی نفر هیچ بیم و هراسی ندارد.» (۱)

مساله ای به این عظمت چگونه فکر و حواس مرا مشغول نکند؟! نور خدا در زمین و حجت او بر بندگانش، در شهری که ما

الان در آن هستیم زندگی می کند و ما هیچ صحبتی از او و نشانه های او نمی کنیم؟

آیا این کلام خدا را نخوانده ای که:

خدا نور آسمانها و زمین است. مثل نور او چون چراغدان است، که در آن چراغی باشد جوج آن چراغ در آبگینه ای جوج آن آبگینه گویی ستاره ای است تابان، که جان چراغ ج از روغن درخت پربرکت زیتونی که نه شرقی است و نه غربی بر افروخته شود که روغنش جاز درخشندگی ج گر چه آتشی به آن نرسد نزدیک است روشنی دهد، روشنی بر روشنی است؛ خدای هر که را خواهد به نور خود راه نماید؛ و خدای به همه چیز داناست. جان چراغ ج در خانه هایی است که خدای رخصت داده است که بالا برده و بزرگ داشته شوند و نام وی در آنها یاد شود و او را در آنجا بامدادان و شبانگاهان به پاکی ستایند.

مردانی که بازرگانی و خرید و فروش ایشان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات باز ندارد، و از روزی می ترسند که دلها و دیدگان در آن روز دگرگون شود.» (۲)

یعنی اینکه برای نور خداوند عزوجل بر روی زمین مرکزی است که مانند چراغدان است. خداوند تعالی این مثال را برای مردم ساکن بر روی این زمین زده است!! پس این نور الهی و آن چراغدان و چراغ فروزان نان مفسرین را پذیرفت که آیه بعد از آیه نور که می فرماید: در خانه هایی که خداوند رخصت داده که بالا برده و بزرگ داشته شوند.» (۳) هیچ ارتباطی با آیه ماقبل خود ندارد؟ چگونه می توانیم چشمانمان را بر روی این حدیث نبوی، که آن را از طریق اهل بیت روایت می کنیم و سیوطی و ثعلبی هم آن را به طریق خود روایت می کنند، ببندیم که می فرماید: این نور الهی در این خانه هاست و این خانه ها هم خانه های پیامبران و امامان است.»؟!!

سیوطی در درالمنثور می گوید:

ابن مردویه از انس بن مالک و بریده روایت کرده است که: رسول خدا (ص)، این ی که خداوند رخصت داده که بزرگ داشته شوند» در این هنگام مردی برخاست و پرسید: منظور از این خانه ها چیست، ای رسول خدا؟ آن حضرت فرمود: خانه های پیامبران. آنگاه ابوبکر برخاست و با اشاره به خانه علی و فاطمه پرسید: آیا این خانه هم از جمله آنهاست؟ رسول خدا فرمود: بله، این خانه از برترین آن خانه هاست!» (۴)

چگونه خود را با تفسیر مفسرین این آیه قانع کنیم که گفته اند: مراد از خانه ها در این آیه مساجد است و مراد از چراغدان نور خدا در زمین همان چلچراغ مساجد است که مردم آن را با شمع و نفت و برق روشن می کنند.»؟!!

آیا ندیده ای که مطلع آیه یعنی الله نور السموات والارض» زمینه را برای مطالب بعدی آماده می سازد و به عبارتی مطالب بعدی را خلاصه می کند... پس خداوند عزوجل نور آفرینش آسمانها و زمین، نور استمرار وجود و حیات آنها، و نور جمله آنچه در میان آنها واقع شده، می باشد. و او را در هر دوره ای نوری است در زمین، بسیار شبیه به چراغی که در چراغدان قرار دارد و خداوند هر کس را که بخواهد بدان هدایت می کند.

و این مضمون حدیث متواتری است که می فرماید: خداوند تعالی هرگز زمینش را از حجت خالی نمی گذارد، خواه این محبت آشکار و شناخته شده باشد، و خواه ترسان و گمنام.» (۵)

بعد از زیارت بقیع، دوستم پیشنهاد کرد که در کنار دیوار بقیع بنشینیم و صحبتی را که درباره حضرت مهدی (علیه السلام)، داشتیم ادامه دهیم، پیشنهادش را پذیرفتم و او گفت:

۱- ۱. ر. ک: الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۱: ص ۱۶. ۳۴۰. ح (م).

۲- ۲. نور / ۳۵-۳۷.

۳- ۳. نور/۳۶.

۴- ۴. السیوطی، جلال الدین، الدرالمنثور فی التفسیر بالماثور، بیروت، دارالمعرفه، ج ۵، ص ۵۰.

۵- ۵. واقعه. ۷۵ - ۷۸.

- یعنی امام مهدی (علیه السلام)، همان مرکز نور الهی در آیه نور است؟

- بله، مقتضای این کلام الهی که مثل نور او چون چراغدانی است» این است که این چراغدان» هموار در زمین موجود است. زیرا این کلام از نظر زمان مطلق است و مقید به وقت خاصی نیست، و حدیث نبوی که سیوطی روایت کرده صریح در این مطلب است.

- یعنی شما می گوئید، افعال الهی در زمین و بین مردم به واسطه وجود امام مهدی (علیه السلام)، تمام می شود؟

- بله، من می گویم که برای خدا بر روی زمین چراغی» است که آن مرکز نور اوست، و هیچ تردیدی نیست که این چراغ در وجود مقدس نبی اکرم (ص)، تجلی می یابد و نقش آن حضرت در تاباندن نور الهی و جاری ساختن عطایای الهی بسیار فراتر از آن است که در تصور ما می گنجد.

همچنین هیچ تردیدی در این نیست که این چراغ» بعد از پیامبر در وجود علی (علیه السلام) و پیشوایانی که از نسل او هستند، با همان حدودی که پیامبر از آن خبر داده است، تجلی می یابد.

آیا سؤال ابوبکر از پیامبر این نکته را به ذهن نمی آورد که او می خواسته است بداند که آیا خانه علی و فاطمه، که دائما پیامبر تاکید می ورزید آن خانه اوست و اهل آن خانه اهل بیت او هستند، از خانه های پیامبران و مرکز نور الهی است یا خیر؟ و پیامبر هم جواب او را چنین داد که این خانه نه فقط یکی از خانه های پیامبران بلکه خانه ای برگزیده از میان آن خانه هاست!!

آیا سوره قدر را نخوانده ای که می فرماید فرشتگان در هر سال بر همه امور نازل می شوند؟ آیا در این عموم و شمول دقت کرده ای؟

دوست من! مقام پیامبر و پیشوایان ما بسیار بزرگتر از آن است که ما گمان می کنیم. همانطور که انواع افعال الهی بسیار زیادتر از آن است که در تصور ما می آید. خداوند بعضی از کارها را خود مستقیما و بعضی دیگر را بواسطه فرشتگان و پیامبرانش و یا بواسطه هرکس از مخلوقاتش که اراده کند، انجام می دهد.

شاید ما بتوانیم با استفاده از قرآن به پرتویی از انواع افعال الهی و قوانین حاکم بر آن دست یابیم. از آنجا که گاهی در قرآن فعل به صیغه مفرد متکلم به خدا نسبت داده می شود و گاه به صیغه جمع و گاه به صیغه غایب... بررسی و تحلیل افعال که در قرآن به خدا نسبت داده شده و تقسیم بندی آنها به ما نگرشی کلی نسبت به انواع افعال الهی به ما می بخشد... و تو درمی یابی که در این تفاوت صیغه ها و نحوه نسبت فعل الهی در قرآن هدفی و رای این تفاوت قاعده ای وجود دارد.

بعضی از افعال را خداوند عزوجل هم به صیغه مفرد متکلم، هم به صیغه جمع متکلم و هم به صیغه مفرد غائب به خودش نسبت داده است مانند: او حیت» (وحی کردم)، او حینا» (وحی کردیم)، نوحی» (وحی می کنیم) و او حی» (وحی کرد).

و بعضی دیگر از افعال را فقط به صیغه جمع متکلم و غائب به خودش نسبت داده و به صیغه مفرد نسبت نداده است مانند: بشرنا» (مژده دادیم)، ارسلنا» (فرستادیم)، صورنا» (شکل دادیم)، رزقنا» (روزی دادیم)، بینا» (بیان کردیم) و... اما نفرموده است: بشرت» (مژده دادم) و یا رزقت» (روزی دادم) و ... همین امر به ما می فهماند که در این موضوع قاعده ای وجود دارد. زیرا کلمات و حروف قرآن به موجب حساب و قواعد دقیق در جای خود قرار گرفته اند، همچنانکه ستارگان در جایگاهها و مدارهای خود قرار گرفته اند.

سوگند به جایگاه ستارگان و همانا این سوگندی است بزرگ، اگر بدانید، که هر آینه این قرآنی است گرامی و ارجمند» (۱) اما آنچه ما از این قاعده به موجب استعمال فعل درمی یابیم، ظنی و تخمینی است، زیرا ما از وجود آن کس که علم کتاب در نزد اوست، محرومیم.

در احتجاج» روایت شده است که شخصی به حضور امیرالمؤمنین (علیه السلام)، رسید و به ایشان عرض کرد:

اگر در قرآن اختلاف و تناقض وجود نداشت به دین شما داخل می شدم! و آن حضرت فرمود: این اختلاف و تناقض چیست؟ آن مرد عرض کرد: ... خداوند در آیه ای می گوید: به آنها بگو فرشته مرگ که بر شما گمارده شده جان شما را خواهد گرفت» (۲) و در جایی دیگر می گوید: خداست آن که وقت مرگ ارواح خلائق را می گیرد» (۳)، آنانکه فرشتگان جان آنها را می گیرند در حالی که پاکیزه هستند...» (۴) و موارد دیگر مشابه این که خداوند یک بار فعل را به خودش، یک بار به فرشته مرگ و بار دیگر به فرشتگان نسبت می دهد...

- امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فرمود: منزه و پیراسته است پروردگار فرشتگان و روح، پاک و منزه است خداوند و الامقام، اوست زنده همیشگی، اوست که بر همه خلائق و آنچه عمل می کنند ناظر است. اگر در چیز دیگر هم شک داری عرضه کن.

- آن مرد عرض کرد: آنچه گفتم بس است...

۱- ۶. واقعه. ۷۵ - ۷۸.

۲- ۷. سجده / ۱۱.

۳- ۸. زمر / ۴۲.

۴- ۹. نحل / ۳۲.

- آنگاه امام (علیه السلام)، فرمود: اما درباره این موضوع که خداوند در یک جایی می فرماید: خداست آنکه وقت مرگ ارواح خلایق را می گیرد» (۱)، و در یک جا می فرماید: فرشته مرگ جان شما را خواهد گرفت» (۲) و در جایی دیگر می فرماید: جان او را فرستادگان ما گرفتند» (۳) و در جایی می فرماید: آنانکه فرشتگان جان آنها را می گیرند در حالی که پاکیزه هستند» (۴) و در جایی دیگر: آنانکه فرشتگان جان آنها را می گیرند در حالی که بر خود ستم کرده اند» (۵) باید گفت که: خداوند تبارک و تعالی بزرگتر و والاتر از این است که امور را خود انجام دهد، بلکه در واقع آنچه که فرستادگان و فرشتگانش انجام می دهند همان فعل اوست، زیرا آنها به امر او عمل می کنند، پس خداوند، جل ذکره، از میان فرشتگانش فرستادگان و سفرایی را بین خود و بندگانش برگزیده است که آنها همان کسانی هستند که در حقشان گفته شده است: خداوند از میان فرشتگان و مردم فرستادگانی برمی گزیند» (۶) ... پس هر کس که اهل گناه باشد قبض روحش را فرشتگان عذاب به عهده می گیرند، و برای فرشته مرگ، یاورانی است از فرشتگان رحمت و عذاب که امر او را انجام می دهند، و در واقع فعل آنها فعل اوست و همه آنچه آنها انجام می دهند به او نسبت داده می شود، و بنابراین فعل آنها فعل فرشته مرگ است و فعل فرشته مرگ فعل خداوند، زیرا خداوند جانها را به دست هر کس که بخواهد می گیرد و به دست هر کس که بخواهد، می بخشد، محروم می کند، پاداش می دهد و مجازات می کند. و همانا فعل امنای او فعل اوست» (۷)

دوستم گفت: یعنی ما معتقدیم به اینکه پیامبران و پیشوایان علاوه بر نقشی که در تبلیغ و هدایت دارند نقشی هم در کارهایی که خداوند در جهان طبیعت، و نسبت به اشخاص و جوامع انجام می دهد، دارند.

- بله، ما ناگزیر به این اعتقادیم، زیرا آیات قرآن بر این موضوع دلالت دارد و احادیث و سیره نیز در این موضوع صراحت دارند... اما ما نسبت به حدود این نقش و تفصیل آن اطلاعی نداریم، و ظاهراً این از اسرار خداوند تعالی است، چرا که خداوند سبحان بیشتر افعالش را بر مخفی بودن بنا گذاشته است. تا آنجا که به پیامبرش موسی درباره آخرت فرمود:

همانا رستاخیز آمدنی است، می خواهم جهنگام ج آن را پنهان دارم. تا هر کس به آنچه می کند پاداش داده شود» (۸)

- بنابراین وهابیون حق خواهند داشت که ما را متهم کنند که شما پیامبران و پیشوایان را شرکای خداوند قرار می دهید.

- خداوند از این نسبتها منزّه است. چگونه آنها می توانند ما را به این موضوع متهم کنند تنها به سبب اینکه ما معتقدیم خداوند تعالی، در روی زمین چراغ و چراغدانی دارد که مثلی برای نور اوست، و در شب قدر هر سال فرشتگانش را بر آن نازل می کند.

دوست من! این موضوع که کسانی دانسته و یا ندانسته مؤمنین را به شرک متهم می کنند نباید تو را ناراحت کند، بلکه از ایشان باید سؤال کرد که آیا اگر با آیه و یا حدیث صحیحی ثابت شد که خداوند تعالی بخشی از کارهایش را به واسطه فرشتگان، فرستادگان و اولیانش انجام می دهد، و ما این موضوع را پذیرفتیم و بدان ایمان آوردیم، ما مشرکیم؟

آیا این سخن خداوند را نخوانده ای که: بگو اگر خدای رحمان را فرزندی می بود، پس من نخستین پرستنده جوی ج بودم،

پاک است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از آنچه جاو را به ناشایست ج وصف می کنند.» (۹) یعنی اینکه، ای پیامبر بگو من هر آنچه را که از جانب پروردگارم به من رسد پیروی می کنم، پس اگر او به من خبر دهد که فرزندی دارد و مرا به عبادتش امر کند، من اولین کسی هستم که او را عبادت می کنم، اما خداوند منزله از این نسبتهاست و ما هم می گوئیم که اگر دلیلی از کتاب خدا و یا سنت پیامبرش بر ما اقامه شد که خداوند تعالی برخی از افعالش را به واسطه فرشتگان و فرستادگانش انجام می دهد، ما آن را می پذیریم و اطاعت می کنیم. و این همان توحید است و به آنها هم که ما را متهم می کنند می گوئیم: قبل از آنکه مردم را متهم کنید توحید را بفهمید و بشناسید.

کسانی که ما را متهم به شرک می کنند، در واقع خدا را به این شرط به یگانگی می پذیرند که او افعالش را مستقیماً و بدون هیچ واسطه ای انجام می دهد و یا لااقل به واسطه فرشتگان انجام می دهد نه به واسطه انسانها و سایر مخلوقات... اما ما خدا را بی هیچ شرطی به یگانگی می پرستیم، و کارهای او را با هر واسطه ای که انجام دهد می پذیریم و مطابق فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام)، معتقدیم که فعل امنای خداوند در واقع همان فعل اوست. حال کدامیک از این دو گونه توحید و یگانه پرستی برتر و ژرف تر است؟

- راستی، امام مهدی در مدینه چه می کند و با چه کسانی زندگی می کند؟

- او همانگونه زندگی و رفتار می کند که خضر، آیا قصه موسی و خضر (علیه السلام)، را در قرآن نخوانده ای؟

- چرا خوانده ام، ولی آیا همه علمای دین به این موضوع معتقدند که خضر پیوسته زنده است و روزی می خورد؟

- بله، از طریق شیعه روایات صحیحی وارد شده که خضر پیوسته زنده و مشغول به کار است، و این موضوع در نزد بیشتر علمای اهل سنت هم پذیرفته شده است. و حتی محی الدین بن شرف النوری، در کتاب المجموع فی شرح المذهب» به هنگام بحث از موضوع استحباب و دلجویی کردن از خویشاوندان میت و تسلی بخشیدن آنها، نقل می کند که علما بر این موضوع به دلجویی کردن خضر از اهل بیت پیامبر به هنگام وفات آن حضرت استدلال کرده اند. (۱۰)

قصه خضر و موسی را در قرآن بخوان تا بدانی که او از طرف خداوند به انجام عملیات خاصی - اگر این تعبیر درست باشد - ماموریت دارد، و حتی پیامبر خدا حضرت موسی (علیه السلام)، که یک روز یا دو روز با او همراه بود از او چیزهایی مشاهده کرد که نتوانست تحمل کند.

۱- ۱۰. زمر / ۴۲.

۲- ۱۱. سجده / ۱۱.

۳- ۱۲. انعام / ۶۱.

۴- ۱۳. نحل / ۳۲.

۵- ۱۴. نحل / ۲۸.

۶- ۱۵. حج / ۷۵.

٧-١٦. الطبرسى، احمد بن على بن ابيطالب، الاحتجاج، بيروت، اعلمى، ص ٢٤٤-٢٤٧.

٨-١٧. طه / ١٥.

٩-١٨. زخرف / ٨١ - ٨٢.

١٠-١٩. النووى، محى الدين بن شرف، المجموع فى شرح المهذب، بيروت، دارالمعرفه، ج ، ص.

از پیامبر (ص)، روایت شده است که فرمود: خداوند موسی را رحمت کند که نسبت به کارهای عالم جخضرج شتاب کرد. اگر او قدری شکیبایی می کرد. عجایب زیادی را از جحضرت خضرج مشاهده می کرد.» (۱)

از این برمی آید که پیامبر ما (ص)، این عجایب را دیده است!

- این عجایب چیست؟

- دوست من نحوه اداره امور جهان توسط خداوند، و ربوبیت او نسبت به ما شباهت به گلوله یخ شناور در آب دارد که تنها یک دهم آن برای ما قابل مشاهده است و نه دهم آن از چشم ما پنهان است.

هر مرحله از تدبیر پنهان خداوند عزوجل جنسیت به عالم ج از مرحله قبلی شگفت آورتر و فهم آن مشکلتر است. زیرا هر مرحله ای با قوانینی به انجام می رسد و با وسایلی ظهور می یابد که از قوانین و وسایل مراحل قبلی ژرف تر است.

ما اگرچه نمی دانیم که جایگاه پیامبر ما و اهل بیتش (ص)، در این مراحل چگونه است، اما همین قدر می دانیم که ایشان نور خدا در زمین هستند و خداوند هر کاری را بخواهد به دست ایشان به انجام می رساند.

- مثل روزی رساندن و مرگ و زندگی؟

- بله، چه مانعی دارد؟ آیا تو می خواهی که خدای تعالی را از اینکه کسی را مامور انجام فعلی از افعال خود کند باز داری؟ و یا اینکه می خواهی مانع عطای او به پیامبرانش شوی؟

چه مانعی وجود دارد که خداوند پیامبرانش را به انجام یکی از این امور فرمان دهد و به آنها قدرت انجامشان را عطا کند، و آنها هم این امور را به امر خداوند و اذن او و نه به امر و قدرت خودشان انجام دهند. زیرا آنها اگرچه بندگان مخلوق خداوند هستند و هیچ اراده ای از خود ندارند اما ایشان بندگان گرامی خداوندند که در سخن از خدا پیشی نمی گیرند و هر کاری را به امر او انجام می دهند.» (۲)

- آیا در حال حاضر غیر از خضر و امام مهدی کسی که مامور به چنین عملیات خاصی باشد یافت می شود؟

- در بعضی روایات به نقل از حضرت موسی (علیه السلام)، آمده است که: هنگامی که من و خضر در کنار دریا بودیم، در مقابل دیدگان ما پرندۀ ای از آسمان فرود آمد و قطره ای از آب دریا را با منقار خود برداشت و آن را به طرف شرق پرتاب کرد و برای بار دوم قطره ای از آب دریا را برداشت و آن را به طرف غرب پرتاب کرد و برای بار سوم هم همین کار را تکرار کرد و این بار قطره آب را به طرف آسمان پرتاب کرد، و در مرتبه چهارم آن پرندۀ قطره آب را به طرف زمین پرتاب کرد و بالاخره در مرتبه پنجم قطره آب را در دریا انداخت. من و خضر از این عمل پرندۀ سخت شگفت زده شدیم و من رو به خضر کردم و از او علت این کار را پرسیدم اما او گفت که من هم نمی دانم.

همچنانکه ما در حیرت و تعجب بودیم متوجه ماهیگیری شدیم که در دریا مشغول ماهیگیری بود، او رو به ما کرد و گفت: چه شده است، آیا از کار این پرنده در حیرت شده اید؟ و ما گفتیم: که بله، همین طور است. آن مرد گفت: من مرد ماهیگیری بیش نیستم اما اشاره این پرنده را درک می کنم، چطور شما دو نفر که پیامبر خدا هستید آن را درک نمی کنید؟ ما در جواب او گفتیم: ما جز آنچه را که خداوند عزوجل به ما آموخته است نمی دانیم...» (۳)

از این روایت و سایر روایات مشابه آن به دست می آید که خداوند تعالی را اولیاء مورد اعتماد متعددی است که بواسطه آنها هر آنچه از افعالش را که اراده کند انجام می دهد، چنانکه خدای تعالی در جایی فرموده است:

لشکریان آسمان و زمین از آن خداست.» (۴)

و در جایی دیگر فرموده است:

[و شمار] سپاهیان پروردگارت را جز او نداند.» (۵)

اما در این میان برای امام مهدی (علیه السلام)، در بین لشکریان خدای تعالی و اولیاء او جایگاهی برجسته و ممتاز است.

- یعنی اینکه جایگاه امام مهدی از خضر و آن صیاد برتر و بالاتر است؟

-
- ۱- ۲۰.المجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه لدرالاجارالائمة الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۳، ص ۳۰۱.
 - ۲- ۲۱.انبیاء/۲۷.
 - ۳- ۲۲.المجلسی، محمد باقر، پیشین، ج ۲۶، ص ۱۹۹-۲۰۰.
 - ۴- ۲۳.فتح/۴.
 - ۵- ۲۴.مدثر/۳۱.

- بله، چرا که پیامبر ما (ص)، نه تنها از خضر (علیه السلام)، بلکه بطور مطلق داناتر و برتر از همه پیامبران است و ائمه (علیه السلام)، عترت پیامبر، اوصیاء او و وارثان علم او هستند و طبیعی است که علم وصی هر پیامبر با علم خود آن پیامبر و علم هر نائب با علم منوب عنه تناسب دارد. به معنای اینکه وقتی ابراهیم (علیه السلام) داناتر و برتر از پیامبران پیش از خود باشد پس بناچار باید اوصیاء و جانشینان او داناتر از اوصیاء و جانشینان پیامبران پیش او باشند. بنابراین پیشوایان ما هم می بایست از همه اوصیاء پیش از خود برتر و داناتر باشند پس دیگر تعجبی نخواهد داشت که بگوییم آنها از خضر علیه السلام، داناتر هستند.

دوست من، از تو می پرسم، آیا به صداقت و عصمت پیامبر (ص)، معتقد هستی؟ یعنی اینکه اگر پیامبر از جایگاه خود و اهل بیتش در نزد خداوند به ما خبر داد، آیا تو می پذیری که این خبر او درست است و مشمول این سخن خداوند است که: او از هوای نفس سخن نمی گوید، نیست این [قرآن] مگر وحیی که به او فرستاده می شود. یا اینکه همچون بعضی از مسلمانها می گویی که پیامبر هم انسانی است که از سر خشنودی و یا خشم سخن می گوید و گاه خودش و یا اهل بیتش را به بیشتر از آنچه شایسته آن هستند می ستاید؟!

- بخدا پناه می برم از اینکه بخواهم چنین سخنی بگویم، بلکه می گویم او در همه سخنانش از سوی خدا تایید می شود و هرگز از سر هوا و هوس سخن نمی گوید.

- بنابراین برای تو معلوم خواهد بود که نصوص ثابت و قطعی دلالت دارند بر اینکه مساله پیامبر و اهل بیت او از اساس جبا مساله سایر پیامبران و اوصیاءج متمایز است. و خداوند تعالی نور محمد و اهل بیت او را قبل از آنکه آدم را بیافریند و روح خود را در آن بدمد، آفرید.

من ابتدا این نصوص را در منابع شیعی دیدم اما بعدها چنین نصوصی را در منابع برادران اهل سنت و در تالیفات بعضی از مؤلفانی که در حد توان سعی در کم رنگ جلوه دادن اهمیت و جایگاه اهل بیت دارند، نیز مشاهده کردم، و بتازگی نیز این موضوع را در مقدمه ای که مسعودی بر مروج الذهب نوشته است ملاحظه کردم، آنجا که او بنا بر عادت تاریخ نگاران از شروع خلقت جهان بحث کرده و حدیث خلقت نور محمدی قبل از خلقت آدم را آورده است. که این خود دلالت بر این دارد که این نصوص در نزد تاریخ نگاران شناخته شده می باشد.

مسعودی در جلد اول از تاریخ خود روایتی را نقل کرده و در پایان آن تصریح می کند که این را از ابوعبدالله جعفر بن محمد، از پدرش محمد بن علی، از پدرش علی بن الحسین، از پدرش حسین بن علی و از امیر مؤمنان علی بن ابیطالب، کرم الله وجهه، روایت کرده اند. متن آن روایت چنین است:

از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: وقتی خدا خواست خلقت را بوجود آورد و مخلوق را بیافریند و مبدعات را ابداع کند پیش از گسترش زمین و افراشتن آسمان که در انفراد ملکوت و وحدت جبروت خویش بود مخلوق را چون غباری بیاراست آنگاه شمه ای از نور خود را رها کرد تا بدرخشید و شعله ای از نور وی پرتو افکند و این نور

در میان صورتهای نهان فراهم شد و بصورت پیمبر ما محمد (ص) درآمد و خداوند که گوینده عزیز است فرمود تو برگزیده منتخبی و ودیعه نور و گنجینه هدایت من پیش تو است، بخاطر تو بطحا را مسطح و آب را روان و آسمان را بلند می کنم و ثواب و عقاب و بهشت و جهنم بوجود می آورم و خاندان تو را برای هدایت می گمارم و از علم نهان خود بهره ورشان می کنم تا نکته ای برای آنها مشکل نباشد و چیزی از آنها نهان نماند و آنها را حجت خلق و نشانه قدرت و وحدانیت خویش می کنم. آنگاه درباره ربوبیت و خلوص و وحدانیت از آنها شهادت گرفت و از پس این شهادت که گرفته شد انتخاب محمد و آل وی را با بصیرت خلق بیامیخت و به آنها وانمود که هدایت با اوست و نور از اوست و امامت در خاندان اوست تا سنت عدل از پیش مستقر شود و عذرهای برخیزد آنگاه خداوند مخلوق را در غیب نهان کرد و به مکنون علم خویش فرو برد آنگاه علل را برگماشت و زمان را کشید و آب را روان کرد و کف را برانگیخت و بخار را بجنابید و عرش وی بر آب شناور شد و زمین را بر روی آب بگسترده و از آب بخاری برآورد و آن را آسمان کرد و زمین و آسمان را طاعت خواند که پذیرفتند و اطاعت آوردند. آنگاه فرشتگان را از نوری که ابداع کرده و جانها که به وجود آورده بود بیافرید و نبوت محمد صلی الله علیه و سلم را قرین توحید خویش کرد و از آن پیش که در زمین مبعوث شود در آسمان مشهور شد. و چون خدا آدم را بیافرید فضیلت او را بر فرشتگان بیان کرد و دانشی را که از پیش خاص او کرده بود عیان نمود که وقتی نام اشیاء را از او پرسیدند همه را بدو شناسانید و خدا آدم را محراب و کعبه و باب و قبله نهاد که نیکان و روحانیان نورانی را به سجده او واداشت. آنگاه آدم را به نزد فرشتگان پیشوا خواند و او را از ودیعه خویش آگاه کرد و اهمیت امانتی را که سپرده او بود وانمود که همه بهره آدم از نکویی، ودیعه نور ما بود که بدو نمود. و خدای تعالی پیوسته این نور را به روزگار نهان داشت تا محمد (ص) را به دوران فطرت علنا فضیلت داد که مردم را به ظاهر و باطن و سر و عنق دعوت کرد و او (علیه السلام) پیمانی را که از ذر پیش از نسل گرفته شده به یاد آورد و هر که با او موافق شد و از چراغ نور قدیم اقتباس کرد به سر آن راه یافت و کار واضح را عیان دید و هر که به غفلت دچار شد سزاوار غضب شد آنگاه نور را به فطرت ما انتقال داد که در امامان ما درخشید که ما نور آسمان و زمینیم و نجات به ما وابسته است و علم نهان از ماست و سرانجام کارها به ماست و همه حجت ها به ظهور مهدی ما که ختم امامان و ناجی امت و غایت نور و مصدر امور است خاتمه می یابد که ما افضل مخلوق و اشرف موحدان و حجت پروردگار جهانیم و هر که به ولایت ما چنگ زند و دستاویز ما را بگیرد نعمت بر او فرخنده باد.» (۱)

دوست من، به این سخن خداوند توجه کن که می فرماید:

بلکه به مردم برای آنچه خدا به آنان از فزونی و دهش خویش ارزانی داشته رشک می برند. همانا ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و ایشان را فرمانروایی بزرگ بخشیدیم. (۲)

و درباره حضرت خضر نبی می فرماید: ما او را از نزد خویش بخشایشی داده بودیم و او را از نزد خویش دانشی آموخته بودیم. (۳)

ولی آیا به نظر تو آنچه خداوند تعالی به خضر و آل ابراهیم بخشیده است بیش از آن چیزی بوده است که به محمد و آل محمد بخشیده است؟ قطعاً اینطور نیست. اما خداوند تعالی در قرآن به این موضوع تصریح نکرده است. زیرا برای امت پیامبر و سایر امتها این موضوع که محمد و خاندان او تا روز قیامت تا به این حد از برتری برخوردارند قابل پذیرش نبود.

- ۱- ۲۵. المسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معاون الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران - انتشارات علمی
- فرهنگى، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴-۲۵.
- ۲- ۲۶. نساء / ۵۴.
- ۳- ۲۷. كهف / ۸۵.

و ما ملاحظه می کنیم که گروهی حتی نتوانستند چیزی بسیار کمتر از این حد از برتری را تحمل کنند و رفتار آنها با اهل بیت پیامبر بسیار بالاتر از رفتار یک حکومت با گروههای مخالف و رقبای خود بود.

دوست من! خضر به آنچه از علم باطنی به او امر می شد مکلف بود و موسی به آنچه از علم ظاهری به او امر می شد اما پیامبر و پیشوایان ما به آنچه از علم باطنی و ظاهری بدانها امر می شد مکلف بودند.

- آیا قابل تصور است که انسانی در یک زمان هم مکلف به علم باطنی و هم مکلف به علم ظاهری باشد؟ با اینکه در قصه موسی و خضر ملاحظه می کنیم که علم ظاهری و باطنی نتوانستند در مدت کوتاهی با هم همراه باشند، تا آنجا که خضر به موسی گفت: اینک جدایی میان من و توست. (۱)

- از تو سؤالی دارم، آیا ممکن است که در جیب تو پولی باشد، و تو با اینکه احتیاج داری که آن را خرج کنی. از خرج کردن آن خودداری کنی؟

- بله ممکن است، ولی آیا این مثل این است که انسانی علم باطنی داشته باشد ولی به علم ظاهری خود عمل کند؟

- بله این شبیه به آن است. اما از تو سؤالی دیگر دارم، آیا این امکان دارد که تو بدانی فلان دوستت بزودی و در همین سال از دنیا می رود ولی با این حال هیچ اثری بر این علمی که داری مترتب نکنی؟ و آیا این امکان دارد که تو بر دشمنی دشمنت، شکیبایی کنی در حالی که می توانی با دعا به درگاه پروردگار نابودی او را درخواست کنی و خداوند هم او را نابود سازد؟

قصدمن از این پرسشها این بود که بدانم آیا تو می توانی در زمانی که بر اسباب و وسایل غیرعادی تسلط داری و یا می توانی معجزه ای را تحقق بخشی، از آن صرف نظر کنی و با اسباب عادی و بر طبق قوانین طبیعت مادی زندگی کنی؟

- گمان نمی کنم من چنین توانی را داشته باشم و به همین خاطر هم می گویم که هیچ انسانی توان جمع کردن بین علم باطنی و عمل به علم ظاهری را ندارد.

- اما پیامبر و اهل بیت او به واسطه عصمتی که خداوند بدانها بخشیده است توان چنین کاری را دارند و همین هم وجه افتراق آنها با ماست.

خوب، دوست من برخیز که نشستن ما زیاد به طول انجامید...

از آن روز به بعد دوستم مرتب از جایگاه امام مهدی در نزد خداوند و نحوه زندگی و کار او سؤال می کرد و این موضوع بطور کامل فکر و ذکر او را مشغول کرده بود و دیگر ساعتها نشستن در کنار دیوار بقیع برای او کاری دوست داشتنی شده بود...

روزی او را دیدم که در همان مکان نشسته است، در کنارش نشستم و به او گفتم: دوست من، به چه فکر می کنی؟

- تو درباره نزول فرشتگان در شب قدر برای من صحبت کرده بودی، اما برنامه ای که آنها به خدمت حضرت صاحب الامر (علیه السلام)، عرضه کنند چیست؟

- من هم در این باره چیزی نمی دانم، تنها چیزی که در این باره می دانم همان است که خداوند تعالی در قرآن فرموده است که: فرشتگان و روح در آن شب به فرمان پروردگارش از برای هر کاری فرود می آیند. (۲) در روایتی آمده است که روزی عمر بن الخطاب از پیامبر (ص)، سؤال کرد که چرا قلبش به هنگام قرائت سوره قدر بیش از هنگام قرائت دیگر سوره ها دچار رقت می شود؟ پس پیامبر قرائت این سوره را تکرار کرد تا به این جمله من کل امر رسید، آنگاه به عمر گفت: آیا بعد از این دیگر چیزی باقی می ماند؟ و عمر در جواب ایشان گفت: هرگز!

این حدیث دلالت بر گوناگونی اوامر و اموری که در شب قدر بر رسول خدا و یا بر حجت خدا بر روی زمین نازل می شود، دارد. و از ائمه طاهرين (س)، نیز روایاتی که در آنها این معنی تایید شده و جزئیاتی از آن نیز بیان شده، نقل گردیده است.

- این مساله بزرگی است و من به این نتیجه رسیده ام که ترک تفکر در این مساله سزاوارتر است. آیا اینطور نیست؟

- تفکر ما را به شناخت چیزهای بسیاری رهنمون می سازد. اما شناخت آنچه در شب قدر نازل می شود با تفکر در آن حاصل نمی شود. و ما هم مکلف به شناخت آن نیستیم. بلکه تنها بر ما واجب است که به این سخن خداوند که فرشتگان و روح در آن شب به فرمان پروردگارش از برای هر کاری فرود می آیند. (۳)

با همه عمومیت و اجمال آن ایمان داشته باشیم.

- قدری در موضوع سی نفری که حضرت صاحب الامر (علیه السلام)، با آنها سر و کار دارد، تأمل کردم و به این نتیجه رسیدم که هر یک از این سی نفر بخشی از برنامه سال را از سوی آن حضرت دریافت می کنند و مامور به اجرای آن می شوند، آیا اینطور نیست؟

۱- ۲۸. کشف / ۷۸.

۲- ۲۹. قدر / ۴.

۳- ۳۰. قدر / ۴. ص: ۸

- بله احتمال دارد، همچنانکه این احتمال هم وجود دارد که به همراه نزول برنامه شیوه اجرای آن برنامه نیز نازل شود. پس در مجموع برای ما امکان اینکه با فکر و اندیشه خودمان روش کار امام مهدی، ارواحنا فدا، را درک کنیم وجود ندارد.

- من در داستان خضر در قرآن تامل کردم و به این نتیجه رسیدم که محور کارهای او یاری و خدمت به مؤمنان در امور زندگی‌شان می باشد، همچنانکه در مورد صاحبان کشتی که آن حضرت کشتی آنها را از تصرف شدن نجات داد و یا دو پسری که حضرت خضر گنج آنها را از آسیب حفظ کرد، مشاهده می کنیم، و نیز از کارهای آن حضرت دفع ضرر و گمراهی از مؤمنان می باشد، همچنانکه در مورد پدر و مادری که فرزندی ناصالح داشتند. جو آن حضرت با کشتن پسر مانع از گمراهی پدر و مادرش شد. ج ملاحظه کنیم.

همچنین از داستان خضر (علیه السلام)، این نکته بر من روشن شد که او شخصی جهانگرد است و هرگز در یک مکان اقامت نمی کند. او در واقع زمانی که بر کشتی سوار شد، شهر و یا شهرهای مختلفی را قصد کرده بود و در هر مکان کار و برنامه خاصی داشت. بنابراین می توان گفت که کارهای حضرت صاحب الامر گروهی که با آن حضرت هستند نیز بر محور خدمت مادی و معنوی به مؤمنان دور می زند و آنها نیز در یک مکان اقامت نمی کنند و دائم در حال حرکت از نقطه ای به نقطه دیگری می گردند.

- بله همینطور است. در روایتی وارد شده است که گنج آن دو پسر جکه حضرت آن را از آسیب حفظ کردج در واقع لوحه ای زرین بود که بر آن دانش و حکمت نقش بسته بود. پس خدمت خضر به آن دو هم خدمتی در امر زندگی مادی آنها و هم خدمتی در طریق هدایت آنها بود.

- بنابراین معنای روایتی که می گوید آنها در مدینه سکونت دارند چیست؟

- مدینه در واقع پایگاه و مقر اقامت آنهاست و این منافاتی با حرکت دائمی و رفت و آمد آنها به نقاط مختلف ندارد. و من از دوستم که در کنار دیوار بقیع نشسته بود جدا شدم در حالی که همچنان در اندیشه بود.

منابع:

١. بحار الانوار الجامعه لدر الاخبار الاثمه الاطهار, مؤسسسه الوفاء, mahal=بيروت, ١٤٠٣=tarikh, ٣٠١=safhe, ١٣=jeld

٢. المسعودى, ابوالحسن على بن حسين

٣. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور, دارالمعرفه, mahal=بيروت, ٥٠=safhe, ٥=jeld

٤. السيوطى, جلال الدين

٥. المجلسى, محمد باقر صدر

٦. الطبرسى, احمد بن على بن ابيطالب

٧. الاحتجاج, اعلمى, mahal=بيروت, ٢٤٤-٢٤٧=safhe

٨. الكلينى, محمد بن يعقوب

٩. الكافى, دارالكتاب الاسلاميه, mahal=تهران, ١٣٦٧=tarikh, ٣٤٠, ١٦=safhe, ١=jeld

١٠. النووى, محى الدين بن شرف

١١. المجموع فى شرح المهذب, دارالمعرفه, mahal=بيروت

١٢. المجلسى, محمد باقر صدر

١٣. پيشين, ١٩٩-٢٠٠=safhe, ٢٦=jeld

١٤. مروج الذهب و معان الجواهر, ترجمه ابوالقاسم پاينده, علمى _

فرهنگى, mahal=تهران, ١٣٧٤=tarikh, ٢٤-٢٥=safhe, ١=jeld

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

